



رخدادهایی که در مراسم تدفین امام حسن مجتبی (ع) روی داد

مروان خبر وفات حضرت را به معاویه داد و گفت: آنان می‌خواهند حسن بن علی را کنار پیامبر دفن کنند، اما تا من زنده هستم به این مقصود خود نخواهند رسید! بدین ترتیب رخدادهای ناگواری در مراسم تدفین امام حسن مجتبی (ع) روی داد.

مروان خبر وفات حضرت را به معاویه داد و گفت: آنان می‌خواهند حسن بن علی را کنار پیامبر دفن کنند، اما تا من زنده هستم به این مقصود خود نخواهند رسید! بدین ترتیب رخدادهای ناگواری در مراسم تدفین امام حسن مجتبی (ع) روی داد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، معاویه با ترتیب دادن توطئه‌ای امام حسن بن علی علیه‌السلام را به دست همسرش «جعه» دختر «اشعث بن قیس» به شهادت رساند.

زمانی که در سال 63 در واقعه «حرّه» مدینه، غارت شد، خانه این زن نیز به تاراج رفت اما به پاس خوش خدمتی او در به شهادت رساندن شوهرش، اموالش را به او بازگرداندند.

منابع بی‌شماری خبر به شهادت رساندن امام مجتبی علیه‌السلام را توسط جعه و با توطئه معاویه گزارش کرده‌اند. [1]

به گزارش ابن حمدون، قرار بود جعه در برابر مسموم کردن امام علیه‌السلام، یکصد هزار درهم دریافت کند. بعدها نیز با یک قریشی ازدواج کرد و از او بچه‌دار شد.

کودکان با دیدن این بچه به او گفتند: «یابن مَسَمَمَہ الازواج؛ ای فرزند کسی که شوهرش را مسموم کرد.» [2]

آن حضرت چهل روز پس از مسمومیت بیمار بود تا به شهادت رسید. [4]

«ام بکر» دختر «مسور» گوید: بارها به امام علیه‌السلام سم خوراندند، ولی هر بار از آن رهایی می‌یافت تا آنکه مرحله آخر سم به قدری شدید بود که پاره‌های جگر امام حسن علیه‌السلام از گلویشان خارج شد. [5]

پس از شهادت امام حسن مجتبی علیه‌السلام، طبق وصیت آن حضرت خواستند او را کنار قبر رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - دفن کنند، اما عایشه با استناد به اینکه «بیتی لا آذن فیه» [6] مانع این کار شد.

مروان هم که آن زمان حکومت مدینه را داشت، اعلام کرد که اجازه چنین کاری را نخواهد داد.

امام حسن علیه‌السلام سفارش کرده بود که اگر مشکلی پیش آمد آن حضرت را در بقیع دفن کنند. [7]

زمانی که امام را برای دفن نزدیک قبر پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - آوردند، عایشه گفت: هذا الأمر لا یكون أبدا؛ چنین چیزی هرگز انجام نخواهد شد. [8] ابوسعید خدری و ابوهریره به مروان گفتند: آیا از دفن حسن بن علی در کنار جدش ممانعت می‌کنی در حالی که رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - او را «سید جوانان اهل بهشت» نامید. مروان به تمسخر به آنها گفت: اگر امثال شما حدیث پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - را روایت نمی‌کردند، ضایع شده بود. [9]

محمد بن حنفیه می‌گوید: زمانی که امام حسن علیه‌السلام وفات کرد، مدینه یکپارچه عزادار شده بود و همه گریه می‌کردند.

مروان خبر وفات حضرت را به معاویه داد و گفت: آنان می‌خواهند حسن بن علی را در کنار پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - دفن کنند، اما تا من زنده هستم به این مقصود خود نخواهند رسید.

امام حسین علیه‌السلام به کنار قبر پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - رسید و فرمود: اینجا را حفر کنید، سعید بن عاص که حاکم مدینه بود، خود را کنار کشید، اما مروان بنی امیه را آماده کرده مسلح شدند.

مروان گفت: چنین چیزی هرگز نخواهد شد. امام حسین علیه‌السلام فرمود: به تو چه ارتباطی دارد، مگر تو والی شهر هستی؟ مروان گفت: نه، اما تا من زنده هستم اجازه این کار را نخواهم داد. امام حسین علیه‌السلام از کسانی که در حلف الفضول همراه

بنی هاشم بودند، کمک خواست.

اینجا بود که کسانی از بنی تیم، بنی زهره، بنی اسد و بنی جعوبه مسلح شدند. امام حسین علیه السلام و پیروان هر یک پرچمی داشت و مروان نیز، و میان آنان تیراندازی نیز شد.

شماری از مردم، امام حسین علیه السلام را راضی کردند تا به موجب وصیت خود امام حسن علیه السلام که فرموده بود اگر قرار است خونی ریخته شود، در همان بقیع، دفن شود، از اصرار خود دست بردارد. [10]

در نقلی آمده است: مروان که این زمان معزول شده بود، با این اقدام خود قصد داشت تا معاویه را از خود راضی کند. [11] مروان پس از آن که از دفن امام در بقیع جلوگیری کرد، این خبر را با آب و تاب برای معاویه نوشت. [12] او می گفت: چگونه فرزند قاتل عثمان، در کنار پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - دفن شود، اما عثمان در بقیع؟ [13] بدون تردید، مروان از پلیدترین چهره های بنی امیه است که در تمام مدتی که حاکم مدینه بود، با زبان تند خود، امام علی و بنی هاشم را دشنام می داد.

شهادت امام در یک روایت، در ربیع الاول سال 49، و در نقلی دیگر، ربیع الاول سال 50 هجری دانسته شده است. [14] اما آنچه به نظر درست می آید، همان سال 49 هجری است.

زمانی که امام به شهادت رسید، بنی هاشم کسانی را به نقاط مختلف مدینه و اطراف فرستادند تا این خبر را به گوش انصار برسانند. گفته شده است که هیچ کس در خانه خود نماند. [15] زنان بنی هاشم تا یک ماه، هر روز برای امام مجلس عزاداشتند. [16]

طبری به نقل از امام باقر علیه السلام آورده است که مردم مدینه هفت روز به مناسبت درگذشت فرزند پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - در ماتم نشسته و بازار را بستند. [17]

او می گوید: در مراسم دفن امام حسن (ع) در بقیع، به قدری جمعیت بود که جای انداختن سوزن نبود. [18]

خبر شهادت امام علیه السلام در بصره نیز شیعیان آن شهر را به عزاداشتند. [19] پس از وفات امام مجتبی علیه السلام شیعیان کوفه، نامه تسلیتی به امام حسین علیه السلام نوشتند.

در آن نامه آمده بود که درگذشت امام از یک سو برای «تمامی امت» و از سوی دیگر برای تو «و هذه الشيعة خاصة» مصیبت است. این تعبیر نشان شکل گیری «شیعه» و حتی کاربرد کلمه شیعه به عنوان یک اصطلاح در حوالی پنجاه هجری است.

آنان در این نامه با این القاب از امام مجتبی - علیه السلام - یاد کردند «عَلَّمَ الْهُدَى وَ ثَوَّرَ الْبِلَادَ» کسی که به او امید اقامه دین و اعاده سیره صالحان بود. آنان اظهار امیدواری کردند که خداوند حق امام حسین علیه السلام را به او باز گرداند. [20] و منبع اصلی این گزارش: [21]

منابع

[1] . ترجمه الامام الحسن- علیه السلام- ابن سعد ص175-176، انساب الاشراف ج3 ص55-88 استاد محمودی در پاورقی صفحات مزبور خبر را از منابع متعددی نقل کرده است.

[2] . التذکره الحمدونیه ج،9 ص293-294.

[3] . انساب الاشراف ج 3 ص 59.

[4] . ترجمه الامام الحسن- علیه السلام-، ابن سعد، ص 176.

[5] . المنتخب من ذیل المذیل، ص 514

[6] . تاریخ یعقوبی ج 2 ص 225.

[7] . انساب الاشراف ج 3 ص 61، 64 نیز نک: پاورقی صص 61-62.

[8] . ترجمه الامام الحسن- علیه السلام- ابن سعد ص 184.

[9] . انساب الاشراف ج 3 ص 65؛ و مشابه آن در: ترجمه الامام الحسن- علیه السلام- ابن سعد ص 184-185.

[10] . ترجمه الامام الحسن- علیه السلام- ابن سعد ص 177-179.

[11] . همان ص 180 و نک: ص 187.

[12] . همان ص 188.

[13] . همان ص 183 عثمان حتی در بقیع نیز دفن نشد چون مردم اجازه ندادند.

[14] . انساب الاشراف ج 3 ص 66؛ ترجمه الامام الحسن علیه السلام- ابن سعد ص 183، 189، 190.

[15] . ترجمه الامام الحسن- علیه السلام- ابن سعد ص 181؛ ترجمه الامام الحسن- علیه السلام- ابن عساکر ش 371.

[16] . ترجمه الامام الحسن- علیه السلام- ابن سعد ص 182؛ ترجمه الامام الحسن- علیه السلام- ابن عساکر ش 338.

[17] . ترجمه الامام الحسن- علیه السلام- ابن سعد ص 182.

[18] . المنتخب من ذیل المذیل ص 514؛ المستدرک علی الصحیحین ج 3 ص 173؛ ترجمه الامام الحسن- علیه السلام- ابن سعد ص 182؛ ترجمه الامام الاحسن- علیه السلام- ابن عساکر ش 372.

[19] . مختصر تاریخ دمشق ج 5 ص 224.

[20] . تاریخ یعقوبی ج 2 ص 228.

[21] . تاریخ سیاسی اسلام (تاریخ خلفا)، رسول جعفریان، ج 2، ص 399